

مقایسه مکانیسم‌های سازگاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران و نوجوانان دبیرستانی

دکتر محسن رحیم‌نیا*، دکتر مریم رسولیان**

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف مقایسه مکانیسم‌های سازگاری نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله کانون اصلاح و تربیت تهران با دانش‌آموزان (۱۵ تا ۱۷ ساله) منطقه شش تهران انجام شد.

مواد و روش کار: در یک بررسی توصیفی - مقطعی، همه ۱۰۵ نوجوان کانون (۸۱ پسر و ۲۴ دختر) و ۳۷۲ نوجوان از مدارس منطقه شش تهران (۱۸۱ پسر و ۱۹۱ دختر)، که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - تصادفی انتخاب شده بودند، پرسش‌نامه مقیاس سازگاری نوجوانان را پر کردند. این ابزار ۱۸ راهبرد و ۳ سبک سازگاری را نشان می‌دهد. تحلیل داده‌ها به کمک آزمون‌های ANOVA و t انجام شد.

یافته‌ها: پسران و دختران غیربزهکار از سبک سازگاری کارآمد بیشتر از سبک ارجاع به دیگران و از سبک اخیر بیشتر از سبک سازگاری ناکارآمد استفاده کردند. پسران بزهکار دو سبک سازگاری کارآمد و ارجاع به دیگران را بدون تفاوت معنی‌دار با هم و هر یک از این دو سبک را بیشتر از سبک سازگاری ناکارآمد به کار گرفتند. دختران بزهکار هر سه سبک سازگاری را بدون تفاوت معنی‌دار با هم به کار بردند. پسران بزهکار از هر سه سبک سازگاری بیشتر از پسران غیربزهکار بهره گرفتند. دختران بزهکار از سبک سازگاری کارآمد کمتر، از سبک سازگاری ناکارآمد بیشتر و از سبک سازگاری ارجاع به دیگران، بدون تفاوت معنی‌دار با دختران مدارس بهره گرفتند.

نتیجه‌گیری: سبک‌های سازگاری پسران بزهکار، در همه زمینه‌ها گسترده‌تر از دختران است و توانایی بالاتری در به‌کارگیری منابع بیرونی دارند. دختران بزهکار الگوی بسیار نامؤثری از سازگاری دارند و شاید همین الگوی نامؤثر، آنها را پذیرای آسیب‌های اجتماعی کرده است.

کلیدواژه: سازگاری، مقابله، بزهکاری، اختلال سلوک، نوجوانی، رفتار ضد اجتماعی

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای است که فرد در آن تغییرات گسترده‌ای را در زمینه‌های شناختی، عصبی-زیستی و اجتماعی تجربه می‌کند. یکی از موضوع‌های مورد بررسی در نوجوانان شناسایی ویژگی‌های سازگاری^۱ آنان می‌باشد که کمبود در این زمینه می‌تواند پیامدهای زیانباری مانند بزهکاری به دنبال داشته باشد. فهم سبک‌های سازگاری می‌تواند در زمینه درمان بالینی (به‌ویژه مشاوره)، برنامه‌ریزی آموزشی، اداره کردن کلاس‌های درسی و شناخت دوران رشد نوجوانان مؤثر باشد (فرایدنبرگ^۲ و لوئیس^۳، ۱۹۹۳).

سازگاری یک مفهوم عام است و به همه راهبردهایی که فرد برای اداره کردن موقعیت‌های استرس‌زای زندگی، اعم از تهدیدهای واقعی یا غیر واقعی به کار می‌برد، گفته می‌شود (سادوک و سادوک، ۲۰۰۳). سازگاری دو کنش اصلی دارد: هنگامی که با یک مشکل مقابله می‌شود، «سازگاری مسأله محور» و هنگامی که در راستای آرام‌سازی حالت‌های هیجانی تلاش می‌شود، «سازگاری هیجان محور» نام می‌گیرد. کارآمدی سازگاری در زمینه بافت یا شرایط موجود معنی‌دار می‌شود. در رویارویی با فشارهای روانی ناشی از مسایل شغلی یا اقتصادی، شیوه‌هایی که فاصله فرد را از مشکل زیاد می‌کنند مؤثرترند و در رویارویی با مشکلات ناشی از ارتباط میان فردی، شیوه‌هایی که فرد را بیشتر درگیر مشکلات می‌کنند، کارآیی بیشتری دارند (فولکمن^۴ و لازاروس^۵، ۱۹۸۵). تفاوت در منابع سازگاری افراد به تاریخچه زندگی فردی، رشد شناختی و اجتماعی، تجربه پیشین استرس، سیستم انگیزش، باورها، ساخت و حساسیت گیرنده‌ها بستگی دارد (استرلا^۶، ۱۹۹۷، به نقل از صالحی، افخم‌ابراهیمی و ربیعی، ۱۳۸۱).

روش‌های شناختی-رفتاری برای کمک به افراد در اداره بهتر پاسخ به استرس کاربرد گسترده‌ای دارند. در این روش‌ها از الگویی بر پایه مفاهیم ارزیابی اولیه (ارزیابی معنای یک رویداد) و ارزیابی ثانویه (درباره آن رویداد چه می‌شود کرد) استفاده می‌شود (دیمسدیل^۷، کیف^۸ و استین^۹، ۲۰۰۰). اثربخشی این روش‌ها در بهتر شدن سازگاری و بهبودی مبتلایان به بیماری‌های مزمن به اثبات رسیده است (پارکر^{۱۰} و همکاران، ۱۹۹۵؛ میلن^{۱۱}، جواشیم^{۱۲} و نایدهارت^{۱۳}، ۱۹۸۶).

در پژوهشی ۴۷۳ نوجوان استرالیایی در یک برنامه خارج از مرکز^{۱۴} به‌طور فشرده به مدت نه روز شرکت کردند. پیش از آغاز برنامه و هشت هفته پس از آن از نظر سبک‌های سازگاری ارزیابی شدند. این افراد از نظر کارآمدی سازگاری‌های به کار رفته، کارآیی بهتر از گروه گواه نشان ندادند (هوبک^{۱۵} و نیل^{۱۶}، ۱۹۹۹).

داعی‌پور (۱۳۷۸) در بررسی سبک‌های سازگاری نوجوانان مدارس تهران با استفاده از ACS^{۱۷}، نشان داد که پسران سبک سازگاری کارآمد و دختران سبک سازگاری ناکارآمد را بیشتر به کار می‌برند؛ دختران با افزایش سن، از سبک سازگاری ناکارآمد استفاده بیشتری می‌کنند و پسران با افزایش سن از راهبردهای نگرانی و حل مشکل بیشتر و از راهبردهای اقدام اجتماعی، عدم سازگاری و حمایت معنوی کمتر استفاده می‌نمایند.

الگوی که بهتر از همه می‌تواند ریشه‌های بزهکاری را نشان دهد یک الگوی تجمعی^{۱۸} است (لوبر^{۱۹}، ۱۹۹۰). تایلور^{۲۰}، مک‌گو^{۲۱} و لاکونو^{۲۲} (۲۰۰۰) نقش محیط غیرمشترک را در بروز رفتارهای بزهکاری خفیف تا متوسط ۵۶٪، نقش ژنتیک را ۱۸٪ و نقش ویژگی‌های مشترک زندگی را ۲۶٪ برآورد نمودند.

محسنی (۱۳۷۷) در مقایسه سبک‌های سازگاری زندانیان دادگاه‌های عمومی زندان ورامین با گروه گواه که از کارکنان این زندان بودند، دریافتند که زندانیان در مقایسه با کارکنان از نظر به کارگیری راهبردهای انطباقی (عقلانی و انفعالی) تفاوتی ندارند، ولی میزان بهره‌گیری آنها از راهبردهای غیرانطباقی (هیجانی و اجتنابی) بیشتر است. زنان زندانی نیز به‌طور معنی‌داری راهبردهای غیرانطباقی بیشتری نسبت به مردان زندانی به کار می‌بردند. زارعی دوست (۱۳۸۲) نیز همین یافته را در زنان بزهکار زندان‌های تهران گزارش نمود. زنان بزهکار به‌طور معنی‌داری از شیوه

1- coping	2- Frydenberg
3- Lewis	4- Folkman
5- Lazarus	6- Sterla
7- Dimsdale	8- Keefe
9- Stein	10- Parker
11- Milne	12- Joachim
13- Niedhardt	14- outward bound program
15- Heubeck	16- Neill
17- Adolescent Coping Scale	18- commulative
19- Loeber	20- Taylor
21- McGue	22- Lacono

سازگاری متمرکز بر هیجان بیشتر از زنان غیربزهکار بهره می‌گرفتند، ولی در به‌کارگیری راهبردهای متمرکز بر حل مسأله بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. این الگو در مورد معنادار به مواد افیونی مراجعه‌کننده به درمانگاه سرپایی متفاوت بود. این افراد در مقایسه با افراد سالم راهبردهای مبتنی بر هیجان و مهار جسمانی را بیشتر و سازگاری مبتنی بر حل مسأله و ارزیابی شناختی را کمتر به کار می‌بردند (حاجی‌پور، ۱۳۷۸).

این بررسی به مقایسه سبک‌های سازگاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت و نوجوانان مدارس می‌پردازد و یافته‌های آن می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آموزشی برای این دسته از نوجوانان و احتمالاً در پیشگیری از اعمال مجرمانه به کار رود.

مواد و روش کار

این بررسی از نوع توصیفی - مقطعی و جامعه پژوهش همه نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله حاضر در کانون اصلاح و تربیت تهران در اسفند ۱۳۸۲ بودند. نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله مدارس منطقه شش شهر تهران که تقریباً در مرکز شهر قرار دارد به‌عنوان گروه گواه در پژوهش شرکت کردند. این گروه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - تصادفی انتخاب شدند. ۱۰۵ نوجوان بزهکار (۸۱ پسر و ۲۴ دختر) و ۳۷۲ نوجوان غیربزهکار (۱۸۱ پسر و ۱۹۱ دختر) در بررسی شرکت کردند. برای گردآوری داده‌ها، یک پرسش‌نامه جمعیت‌شناختی دارای ۱۳ پرسش و پرسش‌نامه مقیاس سازگاری نوجوانان (ACS) که در بردارنده ۸۰ رفتار سازگاری بود به کار برده شد.

ACS را فرایندنبرگ و لوئیس (۱۹۹۳) در استرالیا برای اندازه‌گیری کمی شیوه‌های گوناگون سازگاری نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله تنظیم نمود. این مقیاس دو فرم عمومی و اختصاصی و هر یک از این فرم‌ها، یک فرم ۸۰ ماده‌ای و یک فرم ۱۸ ماده‌ای دارد. در این بررسی فرم عمومی و ۸۰ ماده‌ای به کار رفته است که در آن از فرد خواسته می‌شود تا روش‌های سازگاری خود را در هر یک از ۸۰ ماده، درجه‌بندی کند. هر سه تا پنج ماده، به یک راهبرد خاص سازگاری مربوط می‌شوند. از سوی دیگر، فرایندنبرگ و لوئیس (۱۹۹۳) دست کم دو روش را برای ترکیب‌بندی سبک‌ها پیشنهاد می‌کند.

در این پژوهش از روش دوم که همپوشانی کمتری از نظر راهبردهای هر سبک دارد بهره گرفته شده است. در این روش، سبک سازگاری کارآمد از پنج راهبرد، سبک سازگاری ناکارآمد از نه راهبرد و سبک سازگاری ارجاع به دیگران از چهار راهبرد سازگاری تشکیل شده‌اند. داعی‌پور (۱۳۷۸) پایایی ۱۸ راهبرد سازگاری در این آزمون را به روش بازآزمایی بر روی ۱۴۶۸ نفر از نوجوانان تهرانی بین ۰/۲۹ تا ۰/۸۸ گزارش نمود.

آزمودنی‌ها به چهار گروه تقسیم شدند: نوجوانان پسر بزهکار، دختران بزهکار، پسران غیر بزهکار و دختران غیر بزهکار. برای مقایسه میانگین نمرات مربوط به سبک‌های سازگاری در هر گروه، آزمون ANOVA به‌طور جداگانه به کار برده شد. تفاوت میان گروه‌ها در بهره‌گیری از راهبردها و سبک‌های سازگاری به کمک آزمون t سنجیده شد.

یافته‌ها

میانگین سن پسران و دختران بزهکار به ترتیب ۱۶/۳ و ۱۶/۵ سال و میانگین سن پسران و دختران غیربزهکار به ترتیب ۱۶/۱ و ۱۶/۰ سال بود. میانگین میزان تحصیلات پسران و دختران بزهکار به ترتیب ۷/۶ و ۸/۰ کلاس و میانگین میزان تحصیلات پسران و دختران غیربزهکار به ترتیب ۱۰/۲۶ و ۱۰/۱۲ کلاس بود. دختران بزهکار از نوشتن نوع جرم خودداری نمودند. در میان پسران، بیشترین جرم را آسیب رساندن به اشخاص و دعوا تشکیل می‌داد (۳۷/۰۳٪). رتبه‌های بعدی فراوانی جرم را به ترتیب سرقت (۲۸/۴۱٪)، جرم‌های مربوط به مواد مخدر (۱۲/۳۵٪)، رابطه نامشروع (۱۱/۱۰٪)، مصرف مشروبات الکلی (۸/۶۴٪) و آسیب رساندن به اموال دولتی (۲/۴۷٪) تشکیل می‌داد.

میانگین شمار فرزندان در خانواده نوجوانان بزهکار پسر و دختر به ترتیب ۵/۰۴ و ۳/۸۸ نفر و در خانواده نوجوانان پسر و دختر غیربزهکار به ترتیب ۲/۸۸ و ۳/۲۶ نفر بود. برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناسی آزمودنی‌های پژوهش در **جدول ۱** آمده است.

میانگین نمره‌های مربوط به راهبردها و سبک‌های سازگاری در هر یک از چهار گروه دختران و پسران بزهکار و غیر بزهکار در **جدول ۲** آمده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی آزمودنی‌های پژوهش بر حسب میزان تحصیلات، شغل پدر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، وضعیت خانواده و وضعیت منزل

ویژگی‌های مربوط به آزمودنی‌ها	پسران بزهکار فراوانی (%)	دختران بزهکار فراوانی (%)	پسران غیربزهکار فراوانی (%)	دختران غیربزهکار فراوانی (%)	
میزان تحصیلات	دبستان	۱۱ (۱۳/۶)	۲ (۸/۵)	۰ (۰)	۰ (۰)
	راهنمایی	۴۶ (۵۶/۸)	۱۰ (۴۱/۵)	۰ (۰)	۰ (۰)
	دیپستان	۲۴ (۲۹/۷)	۱۲ (۵۰)	۱۸۱ (۱۰۰)	۹۱ (۱۰۰)
شغل پدر	متخصص	۰ (۰)	۱ (۴)	۱۰ (۵/۵)	۲۱ (۱۱)
	کاسب، کارمند، تکنسین	۲۲ (۲۷/۲)	۸ (۳۳/۳)	۱۳۹ (۷۶/۸)	۱۲۱ (۶۳/۴)
	کارگر	۳۵ (۴۳/۲)	۸ (۳۳/۳)	۲۷ (۱۴/۹)	۴۵ (۲۳/۶)
تحصیلات پدر	بیکار	۱۱ (۱۳/۶)	۴ (۱۶/۷)	۱ (۰/۶)	۲ (۱)
	فوت شده	۱۳ (۱۶)	۳ (۱۲/۵)	۴ (۲/۲)	۲ (۱)
	تا ابتدایی	۳۹ (۴۸/۱)	۵ (۲۰/۸)	۸ (۴/۴)	۱۵ (۷/۸)
تحصیلات مادر	راهنمایی	۲۸ (۳۴/۶)	۱۰ (۴۱/۷)	۱۳ (۷/۲)	۲۲ (۱۱/۵)
	دیپستان	۱۲ (۱۴/۸)	۸ (۳۳/۳)	۷۸ (۴۳/۱)	۹۲ (۴۸/۲)
	بالتر	۲ (۲/۵)	۱ (۴/۲)	۸۲ (۴۵/۳)	۶۲ (۳۲/۵)
وضعیت خانواده	تا ابتدایی	۵۵ (۶۷/۹)	۹ (۳۷/۵)	۱۰ (۵/۵)	۲۳ (۱۲)
	راهنمایی	۱۲ (۱۴/۸)	۱۰ (۴۱/۷)	۲۱ (۱۱/۶)	۲۴ (۱۲/۶)
	دیپستان	۱۱ (۱۳/۶)	۴ (۱۶/۷)	۹۸ (۵۴/۱)	۱۰۷ (۵۶)
وضعیت خانوادگی	بالتر	۳ (۳۷)	۱ (۴/۲)	۵۲ (۲۸/۷)	۳۷ (۱۹/۴)
	پدر و مادر	۶۱ (۷۵/۳)	۷ (۲۹/۲)	۱۷۰ (۹۳/۹)	۱۸۲ (۹۵/۳)
	فقط پدر	۲ (۲/۵)	۱ (۴/۲)	۰ (۰)	۰ (۰)
وضعیت منزل	فقط مادر	۹ (۱۱/۱)	۱ (۴/۲)	۸ (۴/۴)	۷ (۳/۷)
	پدر و نامادری	۴ (۴/۹)	۳ (۱۲/۵)	۳ (۱/۷)	۱ (۰/۵)
	مادر و ناپدری	۱ (۱/۲)	۰ (۰)	۰ (۰)	۰ (۰)
سایر	سایر	۴ (۴/۹)	۱۲ (۵۰)	۰ (۰)	۱ (۰/۵)
	شخصی	۴۶ (۵۶/۸)	۱۴ (۵۸/۳)	۱۳۸ (۷۶/۳)	۱۵۲ (۷۹/۶)
	اجاره‌ای	۲۹ (۳۵/۸)	۱۰ (۴۱/۷)	۳۶ (۱۹/۹)	۳۳ (۱۷/۳)
سایر	۶ (۷/۴)	۰ (۰)	۷ (۳/۹)	۶ (۳/۱)	

یادشده، به طور معنی‌داری بیشتر از سبک‌سازی ناکارآمد به کار می‌رفتند ($p < 0/001$ برای هر دو مقایسه).

در مورد دختران بزهکار نیز، آزمون یاد شده معنی‌دار نبود. هیچ‌یک از نمره‌های مربوط به سبک‌های سازگاری تفاوتی با دیگری نداشتند.

در مورد پسران غیربزهکار، آزمون نام‌برده تفاوت معنی‌دار نشان نداد. در مورد دختران غیربزهکار، آزمون یاد شده معنی‌دار بود ($p < 0/001$). آزمون گرین‌هاوس^۱ در بین هر یک از جفت نمره‌ها تفاوت معنی‌دار ($p < 0/001$) نشان داد.

در پاسخ به این پرسش‌ها که هر یک از چهار گروه (پسران و دختران بزهکار و غیر بزهکار) کدامیک از سه سبک‌سازی را بیشتر به کار می‌برند، از آزمون "تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر" بهره گرفته شد. بررسی همسانی کوواریانس، در هر یک از چهار گروه به شرح زیر بود:

در مورد پسران بزهکار، آزمون نام‌برده معنی‌دار نبود. در زمینه به کارگیری سبک‌های سازگاری کارآمد و ارجاع به دیگران تفاوت معنی‌دار دیده نشد، ولی هر کدام از دو سبک

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمره‌های راهبردها و سبک‌های سازگاری در هر یک از چهار گروه بزهاکار و غیر بزهاکار

مقایسه دختران و پسران بزهاکار	مقایسه دختران و بزهاکار و غیر بزهاکار		مقایسه پسران و بزهاکار و غیر بزهاکار		دختران غیر بزهاکار		پسران غیر بزهاکار		دختران بزهاکار		پسران بزهاکار		راهبرد یا سبک
	نمره t	سطح معنی‌داری	نمره t	سطح معنی‌داری	نمره t	سطح معنی‌داری	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	
۰/۰۰۱	-۳/۵۵	۰/۰۰۰	-۴/۲۱	۰/۷۹۵	۰/۲۶	۰/۷۷۷	۷۷/۷۹ (۱۵/۳۵)	۷۶/۰۷ (۱۴/۲۴)	۶۳/۶۷ (۱۶/۵۵)	۷۶/۵۸ (۱۵/۳۷)	۶۹/۱۴ (۱۷/۵۰)	۵۸/۵۸ (۱۸/۷۳)	تمرکز بر حل مسأله
۰/۰۵	-۲/۲۱	۰/۵۹۹	۰/۵۳	۰/۹۸۴	۰/۲۰	۰/۵۶۳	۵۶/۳۴ (۱۹/۸۰)	۶۹/۱۸ (۱۴/۷۴)	۵۸/۵۸ (۱۸/۷۳)	۶۹/۱۴ (۱۷/۵۰)	۵۸/۵۸ (۱۸/۷۳)	تمرکز بر جنبه‌های مثبت	
۰/۰۰۱	-۴/۶۹	۰/۴۹۳	۰/۶۸۷	۰/۰۰۰	۴/۱۰۵	۰/۴۵۴	۴۵/۴۲ (۱۷/۹۴)	۵۹/۸۵ (۲۲/۰۵)	۴۸/۱۳ (۱۹/۹۴)	۷۲/۰۱ (۲۲/۴۵)	۷۲/۰۱ (۲۲/۴۵)	تفریحات فیزیکی	
N.S.	-۱/۲۳	۰/۰۶۲	۱/۹۳	۰/۰۴۲	۲/۰۵	۰/۶۱۹	۶۱/۹۷ (۲۰/۷۱)	۶۴/۰۱ (۲۰/۱۸)	۶۸/۴۶ (۱۴/۸۰)	۶۹/۴۰ (۱۸/۵۹)	۶۹/۴۰ (۱۸/۵۹)	جستجوی راه‌های آرامش‌بخش	
۰/۰۱	-۰/۲۸	۰/۰۰۱	-۳/۵۳	۰/۱۴۹	۱/۴۵۲	۱/۷۱۴	۷۱/۴۳ (۱۴/۱۴)	۶۹/۰۲ (۱۳/۰۳)	۶۰/۶۷ (۱۳/۴۸)	۷۱/۹۰ (۱۵/۶۱)	۷۱/۹۰ (۱۵/۶۱)	تلاش سخت و موفقیت	
N.S.	-۰/۲۸	۰/۱۹۹	۱/۳۲	۰/۱۷۲	۱/۳۷	۰/۴۷۶	۴۷/۶۶ (۱۸/۱۴)	۵۲/۴۶ (۱۶/۹۱)	۵۴/۳۸ (۲۴/۱۵)	۵۵/۷۳ (۱۹/۸۳)	۵۵/۷۳ (۱۹/۸۳)	نادیده گرفتن مشکل	
N.S.	-۰/۸۷	۰/۵۹۹	۰/۵۳	۰/۰۲۳	۲/۲۹	۰/۵۶۳	۵۶/۳۴ (۱۹/۸۰)	۵۶/۶۱ (۱۸/۸۲)	۵۸/۵۸ (۱۸/۷۳)	۶۲/۳۰ (۱۸/۱۴)	۶۲/۳۰ (۱۸/۱۴)	سرمایه‌گذاری روی دوستان نزدیک	
N.S.	۱/۵۷	۰/۰۱۰	۲/۵۹	۰/۴۱۱	۰/۸۲	۰/۵۹۹	۵۹/۹۲ (۱۷/۱۷)	۶۲/۰۶ (۱۶/۷۰)	۶۹/۳۸ (۱۴/۳۲)	۶۳/۸۵ (۱۵/۴۱)	۶۳/۸۵ (۱۵/۴۱)	خودداری	
۰/۰۷۰	۱/۸۴۸	۰/۰۰۲	۳/۱۷	۰/۰۰۱	۳/۳۶	۰/۴۶۵	۴۶/۵۳ (۱۴/۳۲)	۴۳/۴۵ (۱۶/۶۰)	۵۶/۱۷ (۱۱/۴۰)	۵۰/۶۰ (۱۷/۱۷)	۵۰/۶۰ (۱۷/۱۷)	عدم سازگاری	
۰/۰۰۱	-۳/۴۲	۰/۸۴۲	-۰/۱۹۹	۰/۰۰۰	۴/۴۶	۰/۵۸۷	۵۸/۷۲ (۱۴/۸۶)	۶۰/۵۶ (۱۵/۲۶)	۵۸/۰۸ (۱۴/۵۶)	۶۹/۴۸ (۱۴/۲۹)	۶۹/۴۸ (۱۴/۲۹)	جستجوی تعلق	
N.S.	۰/۷۴۱	۰/۰۱۸	۲/۴۸۵	۰/۰۰۴	۲/۹۴	۰/۵۸۱	۵۸/۱۶ (۱۹/۹۶)	۵۶/۷۵ (۱۸/۳۱)	۶۶/۸۸ (۱۵/۶۶)	۶۳/۸۹ (۱۷/۷۸)	۶۳/۸۹ (۱۷/۷۸)	سرزنش خود	
۰/۰۰۱	۴/۲۰	۰/۰۰۰	۴/۲۹۷	۰/۰۷۵	۱/۷۹	۰/۴۶۸	۴۶/۸۳ (۱۶/۱۵)	۴۲/۸۵ (۱۶/۰۸)	۶۱/۶۷ (۱۴/۱۵)	۴۶/۶۷ (۱۵/۷۱)	۴۶/۶۷ (۱۵/۷۱)	کاهش تنش	
N.S.	-۰/۰۴۶	۰/۷۱۸	۰/۳۶۲	۰/۰۲۶	۲/۲۴	۰/۶۷۵	۶۷/۵۹ (۱۵/۶۸)	۶۴/۳۶ (۱۵/۰۶)	۶۸/۸۳ (۱۷/۰۱)	۶۹/۰۱ (۱۶/۵۴)	۶۹/۰۱ (۱۶/۵۴)	تفکر آرزومندانه	
N.S.	-۱/۱۹	۰/۸۵۰	۰/۱۹	۰/۱۳	۲/۵۰	۰/۶۷۱	۶۷/۱۶ (۱۶/۵۸)	۶۶/۵۳ (۱۶/۳۴)	۶۷/۸۳ (۱۴/۲۳)	۷۱/۸۴ (۱۴/۶۳)	۷۱/۸۴ (۱۴/۶۳)	نگران شدن	
N.S.	-۲/۲۸	۰/۳۰۵	۱/۰۳	۰/۰۰۰	۵/۰۹	۰/۵۲۶	۵۲/۶۲ (۲۱/۱۹)	۵۴/۴۸ (۱۸/۲۸)	۵۷/۲۹ (۱۹/۱۱)	۶۸/۳۰ (۲۱/۱۸)	۶۸/۳۰ (۲۱/۱۸)	جستجوی کمک حرفه‌ای	
۰/۰۱	-۳/۱۷۷	۰/۰۰۴	-۲/۸۸	۰/۰۱۲	۲/۵۴	۰/۶۴۳	۶۴/۳۸ (۱۶/۱۲)	۶۲/۰۴ (۱۵/۹۵)	۵۴/۱۷ (۱۸/۵۸)	۶۷/۷۲ (۱۸/۲۹)	۶۷/۷۲ (۱۸/۲۹)	جستجوی حمایت اجتماعی	
۰/۰۱	-۲/۷۶۳	۰/۰۷۹	-۱/۷۶	۰/۰۰۰	۴/۱۶۲	۰/۸۰۹	۸۰/۹۲ (۱۶/۵۵)	۷۵/۵۹ (۱۷/۸۸)	۷۴/۳۸ (۲۱/۳۳)	۸۵/۰۹ (۱۵/۱۲)	۸۵/۰۹ (۱۵/۱۲)	جستجوی حمایت معنوی	
N.S.	-۱/۵۲۱	۰/۰۰۸	۲/۶۶۳	۰/۰۰۰	۶/۰۵	۰/۴۴۱	۴۴/۱۴ (۱۶/۵۱)	۴۵/۷۲ (۱۶/۹۲)	۵۳/۵۴ (۱۴/۵۶)	۵۹/۸۸ (۱۸/۷۸)	۵۹/۸۸ (۱۸/۷۸)	اقدام اجتماعی	
۰/۰۰۱	-۴/۲۸	۰/۰۴۹	-۱/۹۸	۰/۰۰۷	۲/۷۴	۰/۶۵۲	۶۵/۲۲ (۱۱/۶۹)	۶۷/۶۲ (۱۱/۱۴)	۶۰/۳۱ (۹/۵۵)	۷۱/۸۰ (۱۲/۰۷)	۷۱/۸۰ (۱۲/۰۷)	سبک اول: سازگاری کارآمد	
N.S.	۰/۴۶۲	۰/۰۰۱	۳/۳۲	۰/۰۰۰	۴/۴۷	۰/۵۶۵	۵۶/۵۵ (۸/۲۸)	۵۶/۱۸ (۸/۷۷)	۶۲/۴۲ (۷/۲۰)	۶۱/۴۹ (۹/۱۱)	۶۱/۴۹ (۹/۱۱)	سبک دوم: سازگاری ناکارآمد	
۰/۰۰۱	-۳/۲۵	۰/۸۱۶	-۰/۲۳	۰/۰۰۰	۶/۲۸	۰/۶۰۵	۶۰/۵۱ (۱۳/۲۶)	۵۹/۴۵ (۱۲/۳۵)	۵۹/۸۴ (۱۳/۱۸)	۷۰/۲۴ (۱۳/۹۲)	۷۰/۲۴ (۱۳/۹۲)	سبک سوم: ارجاع به دیگران	

بحث

الگوی سازگاری نوجوانان غیر بزهاکار دختر و پسر تا اندازه‌ای به هم نزدیک است. هر دوی این گروه‌ها از سبک سازگاری کارآمد بیشتر از ارجاع به دیگران و از سبک اخیر بیشتر از سبک سازگاری ناکارآمد بهره می‌گیرند. این الگو با بررسی‌های انجام شده روی دانش‌آموزان تهران هماهنگ است (داعی پور، ۱۳۷۸)، در حالی که نوجوانان مدارس استرالیا الگوی دیگری در استفاده از سبک‌های سازگاری دارند. این نوجوانان سبک سازگاری کارآمد را بیشتر از سبک سازگاری ناکارآمد و سبک اخیر را بیشتر از سبک ارجاع به دیگران به کار می‌برند (فرایندبرگ و راولی، ۱۹۹۸؛ هوبک دیل، ۱۹۹۹). شاید این تفاوت نشان‌دهنده استقلال عمل بیشتر نوجوانان استرالیایی نسبت به نوجوانان تهرانی باشد. اما در نوجوانان بزهاکار الگوهای دیگری نیز دیده می‌شود: پسران بزهاکار سبک سازگاری کارآمد را مساوی

دو گروه از نظر میانگین سنی بسیار به هم نزدیک بودند ولی پسران و دختران کانون به ترتیب ۲/۳۱ و ۲/۰۸ کلاس از هم‌تاهای غیر بزهاکار خود کمتر تحصیل کرده بودند. اگرچه در این پژوهش آزمون‌های هنجاریابی شده‌ای برای مقایسه سطح اجتماعی-اقتصادی گروه‌ها به کار برده نشد، آمار ارایه شده در مورد سطح تحصیلات و شغل پدر، وضعیت منزل و خانواده و شمار فرزندان خانواده، نشان‌دهنده این است که سطح اجتماعی-اقتصادی نوجوانان غیر بزهاکار بالاتر از دختران بزهاکار و سطح اجتماعی-اقتصادی دختران بزهاکار بالاتر از پسران بزهاکار است. به نظر می‌رسد که میانگین شمار فرزندان به‌ویژه در خانواده پسران بزهاکار بیشتر از پسران غیر بزهاکار می‌باشد (۵/۰۴ در برابر ۲/۸۸). این برتری با یافته‌های پیشین که بزهاکاری را در فرزندان خانواده‌های پرولادتر شایع‌تر گزارش نموده‌اند، هماهنگی دارد (سادوک و سادوک، ۲۰۰۳).

سبک ارجاع به دیگران و هر یک از این دو سبک را بیشتر از سبک سازگاری ناکارآمد به کار می‌گیرند و دختران بزهکار هر یک از سه سبک سازگاری یادشده را بدون تفاوت معنی‌دار با سبک‌های دیگر به کار می‌برند.

پسران بزهکار هر اندازه که راهبردهای معطوف به حل مشکل (به تنهایی) را به کار می‌برند، از توانایی‌های دیگران هم در حل مشکلات بهره می‌گیرند، اما دختران بزهکار که بیشتر به دلیل روابط نامشروع، ولگردی و فرار از منزل در کانون به سر می‌برند، در رویارویی با مشکلات ضعیف‌تر برخورد می‌کنند و شاید به همین دلیل روابط درستی با جنس مخالف و دیگران نداشته‌اند.

به‌طور کلی می‌توان گفت پسران بزهکار نسبت به پسران غیربزهکار در همه زمینه‌ها از سازگاری گسترده‌تری بهره می‌برند و تفاوت این دو گروه به‌ویژه در سبک سازگاری ارجاع به دیگران بیشتر است. در هر چهار راهبرد زیرمجموعه این سبک، تفاوت دو گروه معنی‌دار بود. این الگو با الگوی سازگاری مردان زندانی تفاوت دارد؛ بزرگسالان بزهکار هم از سازگاری هیجان‌محور بیشتر از همتهای غیربزهکار خود بهره می‌گیرند، ولی در به‌کارگیری سازگاری متمرکز بر حل مسأله با آنها تفاوت ندارند (محسنی، ۱۳۷۷).

دختران بزهکار، بیش از دختران غیربزهکار، در حل مشکلاتشان از سبک‌هایی بهره می‌گیرند که کمتر به حل مشکل می‌انجامد و بیشتر به نیازهای هیجانی درونی خود می‌پردازند (سازگاری ناکارآمد). الگوی سازگاری دختران بزهکار با الگوی زنان زندانی اندکی تفاوت دارد؛ زنان زندانی هم نسبت به همتهای غیربزهکار خود از سبک سازگاری متمرکز بر هیجان بیشتر استفاده می‌کردند ولی در به‌کارگیری سبک مقابله‌ای متمرکز بر حل مسأله با آنها تفاوتی نداشتند (زارعی‌دوست، ۱۳۸۲). اگر با توجه به همبستگی موجود میان رفتار بزهکاری در نوجوانی و بزرگسالی، بتوان بزهکاران بزرگسال را همان نوجوانان بزهکار پیشین دانست (سادوک و سادوک، ۲۰۰۰)، شاید بتوان برای توجیه این تفاوت گفت دختران بزهکار با افزایش سن و خارج شدن از بحران نوجوانی توانایی‌هایشان افزایش می‌یابد و بیشتر از مهارت‌های حل مسأله مشابه همتهای غیر بزهکار خود بهره می‌برند؛ هر چند هم‌چنان سبک سازگاری ناکارآمد را به‌طور بیمارگونه بیش از همتهای غیر بزهکار خود به کار می‌گیرند.

در کانون اصلاح و تربیت پسران بیش از دختران رفتارهای ضداجتماعی دارند و از توانایی بیشتری در سازگاری مؤثر (اعم از کارآمد و ارجاع به دیگران) برخوردارند و به نظر می‌رسد که بزهکارانی فعال و مهاجم باشند. از سوی دیگر دختران بزهکار، بزهکارانی منفعل و شاید قربانی بزهکاری دیگران به نظر می‌رسند.

در مجموع، این بررسی نشان‌دهنده گسترده‌گی سبک‌های سازگاری پسران بزهکار و نامؤثر بودن سبک‌های سازگاری دختران بزهکار می‌باشد. یافته دیگر این پژوهش، ضعف سازگاری نوجوانان مدارس نسبت به کانون بود که می‌تواند برای نظام آموزش و پرورش سنتی ما هشداردهنده باشد.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش هم‌تا نبودن اجتناب‌ناپذیر نوجوانان بزهکار و غیربزهکار از نظر میزان تحصیل و سطح اجتماعی - اقتصادی بود. از این رو بررسی نقش عوامل اقتصادی - اجتماعی، میزان تحصیل و بهره‌جویی در سازگاری در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود.

سپاسگزاری

از همکاری‌های ارزنده خانم دکتر لیلی پناغی برای انجام آزمون‌های آماری و خانم معصومه ابراهیم‌زاده برای همکاری در انجام کارهای آماری قدردانی می‌شود. هم‌چنین انجام این پژوهش بدون کمک مسئولین محترم کانون اصلاح و تربیت (و به ویژه همراهی روانشناسان این کانون) و سازمان آموزشی و پژوهشی زندان‌ها و آموزش و پرورش منطقه شش انجام‌شدنی نبود. از این عزیزان صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۳/۳/۴؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۳/۵/۲۸؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۳/۶/۲

منابع

- حاجی‌پور، حسن (۱۳۷۸). *بررسی نگرش‌های ناکارآمد، میزان استرس و راهبردهای مقابله با استرس در معتادان به مواد افیونی جویای درمان در مقایسه با افراد غیر معتاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- داعی‌پور، پروین (۱۳۷۸). *بررسی مقدماتی مقیاس کنارآمدن نوجوانان در دانش‌آموزان شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- زارعی‌دوست، الهام (۱۳۸۲). *بررسی مقایسه‌ای منبع کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرطبیعی در زنان بزهکار شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.

- Heubeck, B., & Neill, J. T. (1999). Stability and change of adolescent coping style and mental health. *Paper presented to the Australian Human Development Association Conference*. Sydney, Australia.
- Lewis, M. (2002). *Child and adolescent psychiatry* (p.p. 1417-1425). Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins
- Loeber, R. (1990). Development and risk factors of juvenile antisocial behavior and delinquency. *Clinical Psychology Review, 10*, 1-41.
- Milne, B., Joachim, G., & Niedhardt, J. (1986). A stress management program for inflammatory bowel disease patients. *Journal of Advanced Nursing, 11*, 561-567.
- Parker, J. C., Smart, K. L., Buckelew, S. P., Stucky-Ropp, R. C. Hewett, J. E., & Johnson, J. C. (1995). Effects of stress management on clinical outcomes in rheumatoid arthritis. *Seminars in Arthritis Rheum-autism, 38*, 1807-1818.
- Rain, A., Brennan, P., & Mednick, S. (1994). Birth complications combined with early maternal rejection at age 1 year predispose to crime at 18 years. *Archive of General Psychiatry, 51*, 984-988.
- Sadock, B. J., Sadock, V. A. (2003). *Synopsis of psychiatry*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- Sholevar, G. (1995). *Conduct disorder in children and adolescents*. Washington, DC., American Psychiatric Press.
- Steiner, H. (1999). Mental health services for juvenile delinquents. *Journal of California Alliance Mentally Ill, 14*, 73-75.
- Taylor, J., McGue, M., & Lacono, W. (2000). Sex difference assortative mating, and cultural transmission effects on adolescent delinquency: Twin family study. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, and Allied Disciplines, 41*, 433-440.
- صالحی، منصور؛ افخم ابراهیمی، عزیزه؛ ربیعی، محمد (۱۳۸۲). مقایسه راهکارهای مقابله‌ای در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا و اختلال دو قطبی. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، سال پنجم، شماره ۴، ۳۵-۳۰.
- محسنی، لطف... (۱۳۷۷). *بررسی سبک‌های کنارآمدن با فشار روانی در زندانیان دادگاههای عمومی زندان ورامین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد کرج.
- Bryman, A., & Duncan, C. (1997). *Quantitative data analysis with SPSS for windows*. London: Routledge.
- Disdale, J. E., Keefe, F. J., & Stein, M. B. (2000). *Stress and psychiatry*. In: B. J. Sadock, V. A. Sadock, (Eds.). *Comprehensive textbook of psychiatry* (p.p. 1835-1845). Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- Folkman, S., & Lazarus, R. (1985). If it changes, it must be a process: Study of emotion and coping during three stages of a college examination. *Journal of Personality and Social Psychology, 48*, 150-170.
- Frydenberg, E. (1997). *Adolescent coping theoretical and research perspectives*. London: Routledge.
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (1991). Adolescent coping: The different ways in which boys and girls cope. *Journal of Adolescence, 14*, 113-119.
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (1993). *Adolescent Coping Scale: Administor's manual*. Hawthorn, Australia: The Australian Council for Educational Research.
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (1996). A replication study of the structure of the Adolescent Coping Scale: Multiple forms and applications of a self-report inventory in a counseling and research context. *European Journal of Psychological Assessment, 1*, 224-235.
- Frydenberg, E., & Rowley, G. (1998). Coping with social issues: What Australian university students do. *Educational Research, 8*, 33-48.